

نقد و تحلیل کتاب «اقتصاد مقاومتی از نظریه تا عمل»

فرهاد ترحمی*

فاطمه بزازان**

چکیده

محتوای کتاب اقتصاد مقاومتی، از نظریه تا عمل شامل بنیان‌های نظری و چالش‌های مربوط به حوزه اقتصاد مقاومتی و شروط تحقق و دستاوردهای آن است. در این راستا، با به کارگیری یک مدل مدیریتی ۶ حلقه‌ای، به بررسی نظری و عملی اقتصاد مقاومتی پرداخته شده است. حلقه‌های مدل عبارتند از: رهبری و مدیریت، کاهش وابستگی‌ها، اصلاح ساختارها، توسعه زیرساخت‌ها، مردم‌محوری و ارتباطات و تعاملات جهانی. ساختار کتاب، خبری و خطابه‌ای است و تحلیل اقتصادی در آن مورد استفاده قرار نگرفته است. عدم استفاده از آمارهای به روز، ابزارهای سنجش در علم اقتصاد و همچنین تحلیل ناکافی از ساختار اقتصاد ایران، از کاستی‌های آن به شمار می‌رود. به طور کل، کتاب به منظور کسب اطلاعات کلی از اقتصاد مقاومتی و مشکلات اقتصاد ایران، قابل استفاده است. لیکن، در زمینه تحلیل اقتصادی به خصوص ادبیات موضوع و ابزار علمی مورد استفاده، دارای نقائص فراوانی است.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، نظریه و عمل، اقتصاد ایران، تحلیل اقتصادی.

۱. مقدمه

ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در بهمن ماه ۱۳۹۲، زمینه مناسبی را برای پژوهشگران و اندیشمندان فراهم نموده است تا از طریق آن بتوانند، جنبه‌های گوناگون

*پژوهشگر پسا دکترا علوم اقتصادی، دانشگاه الزهراء، (نویسنده مسئول). f.tarahomi@alzahra.ac.ir

**دانشیار گروه اقتصاد دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء. fbazzazan@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۱

اقتصاد ایران را بررسی نمایند و به ارائه راهکارهای مناسب بپردازند. در این راستا، هر یک از مقالات و کتب، از نقطه نظر خاصی، موضوع را تبیین نموده‌اند. بررسی روند اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی که مورد تاکید تمامی صاحب‌نظران اقتصادی است، نیازمند تحلیل شاخص‌های مستخرج از متن سیاست‌های ابلاغی است. به گونه‌ای که بتوان با مطالعه روند شاخص‌های فوق‌الذکر، توفیق یا عدم توجه لازم به اقتصاد مقاومتی را مورد بحث قرار داد. لذا، تالیف کتب و مقالاتی که بتواند به نحو دقیق و با استفاده از متن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، اقدام به تعیین شاخص‌های مرتبط و بررسی روند اجرایی آنها بنماید، امری خطیر است. از سوی دیگر، بند ۲۱ سیاست‌های ابلاغی به گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی تاکید نموده است. بنابراین ضروری است، آثار چاپ شده مورد واکاوی قرار گیرند. مقاله حاضر، به نقد یکی از کتب منتشر شده تحت عنوان "اقتصاد مقاومتی، از نظریه تا عمل" می‌پردازد. پس از مقدمه و در بخش دوم، به اختصار کتاب معرفی می‌شود. سپس، ابعاد شکلی مورد توجه قرار می‌گیرد. ابعاد محتوایی اثر در بخش چهارم تحلیل می‌شود. موارد مرتبط با توان و کیفیت تحلیل علمی، میزان انسجام و نظم منطقی و سازگاری با مبانی و پیش‌فرض‌های در نظر گرفته شده، در این بخش آورده شده است. در پایان نیز، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ذکر می‌شود.

۲. معرفی کتاب

کتاب *اقتصاد مقاومتی، از نظریه تا عمل* نوشته فیروز داوودی، توسط گروه تخصصی نیرو گستر قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا و جهاد دانشگاهی واحد صنعتی امیرکبیر در ۱۰۰۰ نسخه و با قیمت ۱۴۵۰۰۰ ریال برای نخستین بار در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است. آنچه از عنوان کتاب بر می‌آید، هدف از تالیف، تحلیل بنیان‌های نظری و ارائه راهکارهای عملی نمودن اقتصاد مقاومتی است. در این خصوص و در پشت جلد، هدف کتاب، بیان مفاهیم و چالش‌های مربوط به حوزه اقتصاد مقاومتی و درج شروط تحقق و دستاوردهای آن ذکر شده است. این اثر در ۹ فصل تالیف شده است. فصل اول، مبانی نظری اقتصاد مقاومتی را با توجه به مفاهیم ارزشی و دینی مورد بحث قرار می‌دهد. فصل دوم، مدل مدیریتی اقتصاد مقاومتی را در شش حلقه بررسی می‌کند. این مدل در کنفرانس بین‌المللی ایتالیا (مدیریت قرن ۲۱)، پذیرش و به چاپ رسیده است.

(به نقل از شرح پشت جلد کتاب). فصل سوم، نگاهی راهبردی به اقتصاد مقاومتی نام دارد. در این خصوص، راهبردهای عملیاتی در اقتصاد مقاومتی و نقش هر یک بیان شده است. در فصل چهارم، بایدهای مدیریت جهادی در اقتصاد مقاومتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. ارکان مدیریت جهادی و شاخص های آن، ویژگی های مدیران جهادی و نقش مدیریت جهادی در تحقق اقتصاد مقاومتی از جمله مواردی است که در این فصل مورد بررسی قرار گرفته اند. فرهنگ و اقتصاد مقاومتی در فصل پنجم مورد تحلیل قرار گرفته است که نشان از این امر دارد که نویسندگان مساله فرهنگ را در اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی بسیار مهم می دانند. چالش های پیش روی اقتصاد مقاومتی در فصل ششم بیان شده است. مسائلی نظیر مهمترین وابستگی ها و ضعف های اقتصادی کشور، چالش های پیش روی اقتصاد مقاومتی و بیان الگوهای توسعه اقتصاد، مربوط به این فصل می باشند. فصل هفتم به نقش آفرینان اقتصاد مقاومتی اشاره دارد و اشخاص حقیقی یا حقوقی را که می توانند در به ثمر رسیدن اقتصاد مقاومتی موثر باشند را معرفی نموده است. در فصل هشتم، مواردی که موجب عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی می شود، معرفی می گردد. موارد گسترده ای از اصلاح نظام آموزشی تا کاهش وابستگی به نفت مورد توجه نویسنده قرار گرفته و در این فصل آورده شده است. فصل نهم نیز دستاوردهای اقتصاد مقاومتی و مزایای آن را بر شمرده است. بدین معنا که با اجرای صحیح اقتصاد مقاومتی، چه فوایدی نصیب کشور می گردد.

۳. بررسی شکلی کتاب

۱،۳. نگرش کلی به کتاب

اثر مورد بررسی، فاقد پیشگفتار است و با مقدمه آقای محسن رضایی شروع می شود. ایشان ذکر می کنند: تاکنون در راستای تحقق و عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی، گام های پراکنده و غیرمنسجم برداشته شده است (ص ۷). ضمن اینکه اقدامات انجام شده تاکنون کافی نبوده است (ص ۷). در ادامه ایشان، اقتصاد مقاومتی را راهبردی برای ساخت فرصت ها از تهدیدهای موجود می دانند (ص ۸). در نهایت، آقای رضایی، اطلاعات و مطالب کتاب را راهنمایی جامع و کامل برای تبیین راهبردها و کمک به تحقق اقتصاد مقاومتی می دانند (ص ۸). بنابراین، در مقدمه کتاب، نوید یک اثر نوین به خوانندگان داده می شود، به قسمی که با سایر آثار (به دلیل کامل و جامع بودن) متفاوت است. گرچه اهداف کتاب به تصریح در متن مشخص نشده است، لیکن با توجه به

جمله نویسنده مبنی بر این که "کتاب اقتصاد مقاومتی با آگاهی بخشی و ارائه راهکار، نقش هر یک از آحاد جامعه را برای تحقق مطلوب آن روشن و شفاف می‌کند"، می‌توان دریافت که هدف نهایی کتاب، ارائه مبانی نظری و راهکار عملیاتی در خصوص اقتصاد مقاومتی است. شایان ذکر است، با توجه به زمان تألیف کتاب (سال ۱۳۹۵)، نویسنده محترم، امکان دسترسی به متن سیاست‌های ابلاغی و تحلیل‌های انجام گرفته توسط سایر نویسندگان را داشته است. اگر چه موضوع پژوهش اقتضا می‌کند که مصادیق مورد نظر نویسنده به صورت نمودار و جدول ارائه شوند، لیکن استفاده محدودی از این دو ابزار شده، به گونه‌ای که کتاب فاقد نمودار است. از ۱۰ جدول به کار رفته نیز، برخی منبع ندارند. به علاوه، نحوه شماره گذاری آنها نیز صحیح نیست. به عنوان نمونه، جدول (۱-۱) در صفحه ۳۳، بدون منبع ذکر شده است. حال آنکه در صفحه ۶۷، جدول ۱ آورده شده است که فاقد ماخذ می‌باشد. به طور کل در کتاب، چند جدول (۱) موجود است (صفحات ۶۷، ۱۴۱ و ۱۸۸). بدیهی است موارد فوق سبب می‌شود که مطالعه و درک مطالب، با دشواری بیشتری انجام شود. به علاوه، وجود چندین عکس بدون عنوان و منبع، فهم متن را مختل می‌سازد. به عنوان مثال، در صفحات ۲۳، ۱۶۱، ۱۷۳ و ۱۷۴ چنین وضعیتی برقرار است. در مقدمه کتاب نیز، اشاره‌ای به استفاده از اثر به عنوان منبع درسی نشده است. گرچه کاربرد آن در برنامه آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ضعیف ارزیابی می‌شود و صرفاً می‌تواند یک نگرش کلی در خصوص سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به دانشجویان و علاقه‌مندان بدهد. از نظر بیان روند مطالب در هر فصل، برخی از فصول دارای مقدمه مجزا هستند ولی در خصوص بعضی دیگر این کار انجام نشده است. لذا، روند مشخصی در این مورد وجود ندارد و در ضمن، جمع بندی جداگانه در پایان هر فصل آورده نشده است. به علاوه، منابع برای کسب اطلاعات بیشتر یا پیشنهاد پژوهشی برای تکمیل این تحقیق در پایان فصول و یا در پایان کتاب، ارائه نشده است. به طور کل، نمایه‌ای برای اعلام، موضوعات، منابع و اصطلاحات به کار رفته در اثر، تنظیم نشده و صرفاً به تهیه فهرستی از منابع استفاده شده در متن، اکتفا شده است. لازم به یادآوری است، درج منابع، به صورت یکسان انجام نگرفته است (همانند منابع ۱۰ و ۱۱). ضمن اینکه برخی از منابع ذکر شده در متن، در انتهای کتاب آورده نشده است. به عنوان نمونه، منابع صفحات ۲۵ (مجموعه آثار شهید مطهری)، ۲۹ (آیه ۱۴ سوره مبارکه آل عمران با ترجمه بهرام پور)، ۳۰ (داوود دانش جعفری)، ۴۴ (پایان نامه زهرا رستمی) چنین

وضعیتی دارند. ضمن اینکه در مورد آخر لازم بود که نام دانشگاه، استاد راهنما، رشته تحصیلی و سال دفاع نیز قید می‌گردید. شایان ذکر است که اشکال نیز فاقد منبع هستند و درج عناوین آنها در پایین شکل انجام گرفته است. امری که نامرسوم است (به عنوان نمونه، اشکال صفحات ۷۲ و ۱۰۰).

۲.۳. کیفیت ظاهری و فنی

۱.۲.۳. طرح جلد کتاب

طرح روی جلد، با تاکید بر شش مولفه مدیریت مصرف، اقتصاد دانش بنیان، اقتصاد مردمی، اقتصاد کارآفرینی، مدیریت جهادی و تولید ملی، سعی بر انتقال مفهوم اقتصاد مقاومتی دارد. در پشت جلد نیز، عنوان کتاب به زبان انگلیسی آورده شده است و نقش اقتصاد مقاومتی به عنوان راهبردی نوین برای تشخیص حوزه های فشار از سوی دشمنان و تبدیل تهدیدها به فرصت ها دانسته شده است. ضمن اینکه تصویر نویسنده کتاب به همراه خلاصه ای از تخصص های ایشان آورده شده است که این روش در کتب علمی چندان مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. در مجموع، طرح جلد کتاب، منتقل کننده مفهوم اقتصاد مقاومتی است.

۲.۲.۳. حروف نگاری و صفحه آرایی

در این بخش موارد ذیل، قابل تامل است:

* اندازه فونت اعداد مندرج در جدول، همانند متن است. در حالی که همواره تلاش می‌گردد که اندازه فونت اعداد یا حروف مندرج در جدول، کوچکتر از متن درج شود تا به زیبایی متن افزوده شود. لازم به ذکر است که چنین وضعیتی در خصوص تمامی جداول کتاب به چشم می‌خورد.

* تیرهای کتاب، با نوار خاکستری در متن مشخص شده است. این امر در کتب علمی مرسوم نیست.

* اندازه حروف انگلیسی، همانند حروف فارسی درج شده است. معمولاً، حروف انگلیسی، به اندازه دو فونت کوچکتر از حروف فارسی نوشته می‌شوند تا به زیبایی متن افزوده شود (به عنوان مثال، صفحات ۶۰ و ۲۰۷).

* نحوه ارجاع منابع در کتاب متنوع است. در برخی از موارد، منابع در پانویس قید شده است و گاهی منابع در متن درج گردیده است. به عنوان نمونه، در صفحات ۳۰، ۳۱ و ۳۲ چنین وضعیتی وجود دارد. در پانویس‌ها نیز منابع به یک صورت آورده نشده است. به عنوان مثال، در صفحه ۱۶۰، کتاب اصول کافی به همراه نام نویسنده معرفی شده است حال آنکه کتب تحف العقول و نهج السعاده، فاقد چنین شرایطی هستند. با توجه به موارد فوق، کیفیت حروف نگاری و صفحه آرایی اثر، متوسط ارزیابی می‌شود.

۳،۲،۳. کیفیت چاپ، صحافی و قطع اثر

کتاب مورد بررسی، از نظر وضوح چاپ حروف و ثبات رنگ، در حد قابل قبولی قرار دارد. علی‌رغم فراهم بودن امکان استفاده از طیف بیشتر رنگ‌های خاکستری در نمودارها و جداول، برای زیبایی و به منظور تفهیم بهتر، تنها از رنگ خاکستری سیر استفاده شده است. اما این امر، خلل محسوسی ایجاد نکرده است. بنابراین، کیفیت چاپ کتاب، خوب ارزیابی می‌شود. از نظر قطع اثر، لازم به یادآوری است که اکنون، رایج‌ترین قطع برای کتاب، غالباً قطع وزیری با ابعاد متغیر در فاصله ۲۰×۱۳ تا ۲۶×۲۰ سانتی متر است (سید اخلاقی، ۱۳۸۰). قطع اثر مورد بررسی، وزیری با ابعاد ۲۳×۱۷ است. با توجه به تعداد صفحات کتاب، قطع انتخاب شده، مناسب است. ضمن اینکه به نظر می‌رسد، شیرازه کتاب در برابر تعدد دفعات استفاده از آن مقاوم باشد. لذا، کیفیت صحافی اثر خوب ارزیابی می‌شود. با توجه به مطالب ذکر شده، کیفیت چاپ، صحافی و قطع اثر، مطلوب است.

۴،۲،۳. نمونه خوانی و اغلاط چاپی

نمونه خوانی مطلوب موجب می‌شود که متن حروف نگاری شده از نظر مطابقت با رسم الخط، یکپارچگی متن و تصحیح غلط‌های چاپی و املائی، به صورت مناسبی تهیه شده باشد. بررسی متن کتاب نشان می‌دهد که نمونه خوانی از نظر تصحیح اغلاط املائی و چاپی، نسبتاً مطلوب است. در مواردی کاستی‌هایی به شرح ذیل وجود دارد:

* وجود غلط املائی در متن نظیر آرامان (آرمان. ص ۵۰) و دست رس (دسترس. ص ۵۲)، نشئت (نشأت. ص ۶۵)، مدیریت (مدیریت. ص ۱۵۹)، کنفراس (کنفرانس. ص ۲۰۷).

* برخی از کلمات در متن جا افتاده است و باید اضافه شود. نظیر عبارت "محدودیت های ۸ تا ۱۵ ساله برای صنعت هسته ای به ویژه تحقیق و توسعه" که می بایست واژه "در زمینه" مابین "به ویژه" و "تحقیق و توسعه" لحاظ شود.

* بعضی از اغلاط مصطلح در کتاب، مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان نمونه به کارگیری واژه "دوما" به جای "ثانیا" (ص ۲۱).

۵,۲,۳. اصول عمومی نگارش و قواعد ویرایش تخصصی

در این خصوص، موارد زیر می تواند در کتاب، مورد توجه قرار گیرد:

* عدم استفاده از علامت کاما. به عنوان نمونه، در صفحه ۱۹ بعد از عبارت "بعد از یک دانه خرما"، صفحه ۱۳۳ بعد از کاربرد "این واژه تا اواسط دهه ۱۳۷۰ چندان رایج نبود". نمونه های دیگر را می توان در صفحات ۱۵۹ و ۱۶۲ یافت.

* عدم استفاده مناسب از نقطه گذاری در متن. به عنوان نمونه، در صفحه ۳۳ و بعد از عبارت "تقویت نهادهای اقتصادی اجتماعی و سیاسی منجر به توسعه اقتصادی نظام شود" نیاز به درج نقطه دارد و یا در صفحه ۳۷ پس از عبارت "ارتباطات و تعاملات جهانی (بند ۶)", استفاده از نقطه لازم نیست.

* در برخی از موارد، از درج نام انگلیسی در پانویس غفلت شده است. به عنوان نمونه، لایشیچ و دراگان (ص ۳۱)، کیت گری فین (ص ۱۵۴) و بوریس زاگاریس (ص ۱۵۴). لذا می توان گفت که کتاب، نیاز به ویرایش مجدد دارد.

۶,۲,۳. میزان روان و رسا بودن متن

به طور کل، متن کتاب نسبتا روان است. گرچه جملات شعاری یا احساسی در آن وجود دارد. به عنوان مثال در صفحه ۱۵۷ قید شده است که "برنامه ریزی مناسب را هم دولت و هم مجلس باید مورد توجه قرار دهند" که جمله ای شعاری است. در صفحه ۱۸۶ نثر احساسی و شعاری به صورت همزمان به کار گرفته شده است: "معلمان به عنوان طلایه داران فرهنگ مبارزه با وابستگی اقتصادی کشور... که این رسالتی بزرگ بر دوش معلمان فهیم و دلسوخته جامعه است" و یا در صفحه ۱۵۲ آورده شده است: "بر همه واجب است بکوشیم رازهای شکوفایی ایران کهن را دگر باره ارج نهیم و در پی تحصیل جایگاهی درخور و سزاوار باشیم". حال آن که در کتب علمی می باید، متون فارغ از احساس و شعار بیان شوند. از سوی دیگر، جملات ثقیل نیز

در کتاب مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان نمونه، در صفحه ۱۹، جمله ای با عبارت "ظهور اسلام در حجاز" آغاز گردیده و پس از ۵ سطر پایان می پذیرد و یا در صفحه ۳۵ جمله ای با عبارت "امید است با برنامه ریزی مناسب" آغاز می شود و پس از سه سطر با فعل "صرف شود" پایان می پذیرد. این دو جمله، نمونه هایی از عبارات نفس گیر کتاب هستند. در بعضی از مواقع، فاعل به نحو مطلوب در جمله به کار نرفته است. به عنوان مثال در صفحه ۳۱، چنین جمله ای آورده شده است: "اقتصاد مقاومتی راه نجات و توسعه هر کشور دانسته که لازمه شکوفایی آن را در وحدت... مردم است." که احتمالاً فاعل آن لایشیج و لاگان است. به علاوه، برخی از واژه ها نیاز به توضیح و شرح بیشتری دارند. واژه های حنث نذر (ص ۲۷)، اباحه گری (ص ۱۵۸) و صندوق سرمایه گذاری ریسک پذیر (VC)، چنین وضعیتی دارند. در ضمن، توضیح برخی از مطالب ناتمام مانده است. به عنوان نمونه، در صفحه ۴۶، شرح وظایف کمیته ماده ۷۶ در پانویس، کامل نشده است. گاهی نویسندگان به منظور تعریف یک مفهوم، از خود آن عبارت استفاده کرده است. در صفحه ۱۶۸ ذکر شده است: "اقتصاد مقاومتی مکتبی است که پایه های آن مبتنی بر... و متناسب با سیاست های ابلاغی اقتصاد مقاومتی است." همان گونه که ملاحظه می شود، عبارت اقتصاد مقاومتی توسط خود مفهوم بیان شده است. گاهی اوقات نیز فعل انجام کار، به نویسنده نسبت داده شده است. حال آنکه در متون علمی، چنین امری جایز نیست. به عنوان مثال، افعال بینیم (ص ۲۵)، مشاهده می کنیم (ص ۸۷) و باید بپذیریم (ص ۹۲)، چنین وضعیتی دارند. عدم تطابق زمانی فعل نیز در جملات کتاب به چشم می خورد. در صفحه ۲۱ آمده است: "برخی دیگر، علم اقتصاد را علم پریشان کننده... تعریف کردند" که می بایست فعل "کرده اند" استفاده می شد و یا در همان صفحه و در جمله "چون ثروت در سال های بعد، نقش و جایگاه ویژه ای در زندگی ملت ها باز می کرد"، زمان فعل، تطابق لازم را دارا نیست. بنابراین، روان و رسا بودن متن کتاب، متوسط ارزیابی می شود.

۴. بررسی ابعاد محتوایی اثر

۴.۱. توان و کیفیت تحلیل علمی

هدف پژوهش، بیان مبانی نظری و چالش های مربوط به حوزه اقتصاد مقاومتی است. در این راستا، نویسنده محترم در فصل اول بیان می دارند که تاریخچه اقتصاد مقاومتی مرتبط با بعثت پیامبران است (ص ۱۹) و معتقدند که اقتصاد مقاومتی فاقد پیشینه نظری

یا عملی در کل دنیا است (ص ۲۰). ایشان اظهار می دارند: شاید برخی از کشورهای دنیا، فعالیت هایی را برای توسعه و بهبود اقتصاد خود به صورت مقطعی انجام داده باشند ولی این رفتار، متفاوت از مکتب اقتصاد مقاومتی است (ص ۲۰). این در حالی است که چنین ادعایی نیازمند شرح و بسط بیشتر است و می بایست، تفاوت بین تجارب سایر کشورها و اقتصاد مقاومتی در متن تشریح می گردید. به بیان دیگر، مشخص نشده است که مکتب اقتصاد مقاومتی (به نظر نویسنده)، دارای چه ویژگی های خاصی است که آن را از تجربه سایر کشورها متمایز می سازد. در ادامه (ص ۲۰)، علم اقتصاد به چهار گروه خلاصه شده است. معمولاً، علم اقتصاد از نظر نحله های فکری، به گروه های مختلفی تقسیم می شود و فعل "خلاصه شدن" تا حدودی نامانوس است. ضمن اینکه نویسنده صرفاً به تعاریف اولیه، کلاسیک ها، نوکلاسیک ها و مدرن اشاره نموده است. این در حالی است که در بخش تعاریف مدرن، هیچ اشاره ای به مکاتب نهادگرایان، نیوکینزین ها و طرفداران اقتصاد رفتاری نشده است. در صفحه ۲۱ نیز نوشته شده است: برخی دیگر (منظور منتقدین علم اقتصاد است)، این علم را پریشان کننده، علم بدلی و علم نان و کره تعریف کرده اند. با توجه به این جمله، این سوال مطرح می شود که اولاً چه اندیشمندانی از این طرز تفکر حمایت کرده اند؟ ثانیاً، دلایل آن ها برای توصیف علم اقتصاد در این سطح نازل، چه بوده است؟ مساله مهمی که در کتاب مورد غفلت واقع شده است. تعاریف جدید ذکر شده از علم اقتصاد نیز ناکافی است. در ابتدا، بحث کالاهای عمومی و نیازهای انسان مطرح شده است (ص ۲۱) و در ادامه به تعریف علم اقتصاد اشاره شده است (ص ۲۲) و سپس به صورت شعارگونه وظایف علم اقتصاد تعیین گردیده است. در صفحه ۲۲ و در این ارتباط چنین ذکر شده است: باید برای اقتصاددانان هر کشور، این امکان به وجود آید تا بررسی و تحقیقات علمی، بیماری های اقتصادی از قبیل تورم، بیکاری و رکود و غیره را با استفاده از ابزارهای علم اقتصاد شناسایی کرده و راهکارهای لازم را در اختیار سیاستمداران قرار دهند تا با اجرای آنها، شاهد اقتصادی شکوفا و جامعه ای سالم و به دور از فساد و ناهنجاری های اجتماعی باشیم. با توجه به این جمله، نویسنده محترم می توانست با استفاده از کتب مختلف اقتصادی، مبحث کالاهای عمومی و انواع آن را بسط دهد. ضمناً، شایسته بود که ابزارهای علم اقتصاد معرفی می گردید تا خواننده بتواند به نحو مطلوب تر، مطلب را درک نماید. به علاوه، ارتباط بین تورم با جامعه ای دور از فساد و ناهنجاری های اجتماعی، محتاج دلیل و برهان است. از آنجا که کتاب جنبه پژوهشی دارد، لازم است با

ارائه آمار و داده و تحلیل آن‌ها، مباحث تشریح شوند و صرف ارائه جملات شعارگونه کافی نیست. در ادامه، در صفحه ۲۷، نویسنده محترم عنوان می‌کنند که در نظام اقتصاد غربی، مباحثی نظیر توسعه پایدار و مصرف بین نسلی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. فارغ از مسائل ارزشی، امروزه دو مورد فوق، در تحلیل‌های مختلف کتب روز اقتصادی دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد. مفهوم توسعه پایدار در سال ۱۹۸۷ توسط سازمان ملل متحد تعریف شده است و در کتبی نظیر اقتصاد توسعه گیلیس، پرکینز، رومر و اسنودگراس (Gillis, Perkins, Roemer & Snodgrass) آورده شده است. همچنین موضوعاتی نظیر نهادها، فرهنگ، حقوق مالکیت، فساد و پیچیدگی اقتصادی (Economic Complexity) در کتب اقتصاد توسعه راه پیدا کرده است. به عنوان نمونه، مباحث فوق در کتاب اقتصاد توسعه رولاند (Roland) که در زمره جدیدترین کتب اقتصاد توسعه دنیا می‌باشد، مورد بحث قرار گرفته است. به علاوه، بهینگی بین نسلی در فصل دوم اقتصاد خرد جهل و رنی (Jehl & Reny) نیز آورده شده است. از دیدگاه عملی نیز، کشور نروژ با مصرف بهینه منابع طبیعی خود، الگوی مناسبی برای سایر کشورها بوده است. در صفحه ۳۱، به پیروی از اقتصاد اسلامی، اقتصاد مقاومتی یک مکتب نامیده شده است ولی در همان صفحه، از قول لایشیخ و دراگان ذکر گردیده است که اقتصاد مقاومتی برای بهتر زیستن مردم است. در این خصوص، ارتباط نقل قول از دو نویسنده خارجی (که سابقه علمی آنها بر خواننده کتاب نامعلوم است) و مکتب اقتصاد مقاومتی که منبعث از اقتصاد اسلامی است، مبهم مانده است. بحث ارتباط اقتصاد مقاومتی و اقتصاد متعارف نیز یکی دیگر از مسائلی است که در کتاب باید مورد توجه قرار گیرد. در صفحه ۳۳، هدف اقتصاد لیبرالی (احتمالاً اقتصاد متعارف مدنظر بوده است) برآورده کردن حداکثر غرایض (که نوع غرایض مشخص نیست) و امیال شخصی افراد و کسب سود عنوان شده است. حال آنکه در اقتصاد مقاومتی، هدف برآورده شدن اهداف اقتصاد اسلامی و اهداف انقلاب اسلامی ذکر شده است. در این راستا، بهتر می‌بود که نویسنده محترم با مراجعه به متن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، نقاط اشتراک و افتراق اقتصاد متعارف و اقتصاد مقاومتی را مشخص می‌ساختند و به صورت جزیی مبحث را تشریح می‌نمودند. در فصل دوم، مدل اقتصاد مقاومتی بیان شده است و با توجه به عنوان کتاب و شرح پشت جلد، اساس پژوهش بر این فصل بنیان گذاشته شده است. با توجه به مطالب درج شده در این فصل، موارد زیر قابل ملاحظه است:

* در صفحه ۳۵ قید شده است که اقتصاد ایران در وضعیت مناسبی قرار دارد که از نظر تولید بعضی از اقلام همانند پسته، زعفران، خاویار و... رتبه اول را در دنیا داراست و در تولید بعضی از اقلام دیگر نیز، رتبه دوم تا دهم دنیا را در اختیار دارد. با توجه به این جمله، سوالات زیر مطرح می شود:

الف- از کدام منبع این اطلاعات استخراج شده است؟

ب- "اقلام دیگر" شامل چه مواردی است؟

ج- آیا این اقلام دارای ارزش افزوده بالایی هستند که بتوانند موجب رشد اقتصادی شوند؟

د- با توجه به وضعیت مناسب اقتصاد ایران (طبق جمله بالا)، چه لزومی به اقتصاد مقاومتی (آن هم به عنوان یک نسخه فوق العاده ضروری و عملیاتی. ص ۳۳ کتاب) می باشد؟

ه- کالاهای نامبرده شده، تنها شامل مواد خام هستند و یکی از معضلات اقتصادی کشور ایران، کسب درآمد از ماده خام (نفت و گاز) است. امروزه، مواردی همچون تکنولوژی و سرمایه انسانی به عنوان مزیت اقتصادی کشورها محسوب می شوند. نکته ای که مورد غفلت قرار گرفته است.

مدل اقتصاد مقاومتی که توسط نویسنده کتاب ارائه شده است، ۶ حلقه را در بر می گیرد که هر یک، شامل زیر مجموعه های مختلف می باشد. لازم به ذکر است که برخی از موارد طرح شده در این مدل، در حال حاضر در کشور اجرا می شود. حلقه اول که رهبری و مدیریت را در بر می گیرد، شامل شش زیر مجموعه است که شامل مواردی همچون تهیه و تدوین اهداف و برنامه های اقتصاد مقاومتی، توجه به سیاست های ابلاغی و عملیاتی کردن برنامه ها و اسناد بالادستی است. همان گونه که ذکر شد، در حال حاضر، دو مورد فوق در سطح ملی و استانی توسط دولت در حال اجراست. حلقه دوم، بیانگر کاهش وابستگی هاست. در این بخش، نویسنده صرفاً به صورت خطابه ای مواردی را مشخص نموده است که برخی از آنها محل تامل است. به عنوان مثال، مهیا نمودن شرایط سرمایه گذاری و حمایت از فعالیت های اقتصادی در فضایی امن و آسان، در بهبود محیط کسب و کار متجلی می شود که در این خصوص وضعیت کشور ایران طبق گزارش های بانک جهانی مطلوب نیست. به علاوه، در زیر بخش حمایت از تولیدات داخلی و ملی (ص ۴۲)، صرفاً به فعال نمودن حوزه های کشاورزی و صنعت اشاره شده است و بخش خدمات لحاظ نگردیده است. گرچه در بخش (۲-۲-۲)، به

تاسیس و توسعه شرکت های دانش بنیان تاکید شده است ولی بخش خدمات، شامل حوزه های گوناگون نظیر گردشگری است که می تواند ارزش افزوده بالایی ایجاد نماید. ضمن اینکه برخی از زیر بخش های خدمات، جزء بخش های بالادستی یک اقتصاد محسوب می شود (نظیر حمل و نقل). در خصوص حلقه های زنجیره تولید (ص ۴۳)، خاطر نشان می شود که تعیین صنایع پیشرو عموماً با توجه به ارتباطات بین بخشی و با استفاده از جدول داده- ستانده صورت می پذیرد. در این راستا، با استفاده از این ابزار و روش های مختلف، ابتدا بخش های پیشرو شناسایی می شوند و موجب تحرک سایر بخش ها می گردند. با توجه به این نکته در متن چنین آمده است: "با رونق این صنایع (منظور صنایع پیشرو است)، ده ها صنعت دیگر مانند صنعت ساخت و ساز مسکن، نفت و گاز، خودرو و غیره رونق می گیرد." در جمله فوق، چند نکته قابل ذکر است:

الف- کدام صنایع پیشرو هستند؟

ب- منظور از "و غیره" کدام بخش های اقتصادی را در بر می گیرد؟

ج- هنگامی که بخش پیشرو با ابزار علمی مشخص نشده است، چگونه می تواند بخش های نامبرده را به تحرک وا دارد؟

در بخش ۲-۲-۴ و در خصوص مشارکت حداکثری مردم در تحقق کاهش وابستگی ها آورده شده است: "اگر بتوان اقتصاد کشور را بر پایه مشارکت حداکثری مردم شکل داد، کشور از نظر مقابله با تهدیدها و تاثیر پذیری از آن مقاوم خواهد شد." که البته در این خصوص توضیح داده نشده است که این امر چگونه صورت خواهد گرفت؟ در صفحه ۴۴ (جدول ۱)، آمار ضریب جینی و تورم آورده شده است. لازم به ذکر است که اولاً آمار، نسبتاً قدیمی است. زیرا داده های سالانه تا سال ۱۳۹۴ (با توجه به زمان چاپ کتاب) نیز موجود بوده است. ثانياً، نتیجه اخذ شده از جدول، مشخص نیست. تنها ذکر شده است که تبیین معیارهای عدالت در توزیع درآمد و تشریح نقاط اشتراک و افتراق آنها می تواند شفافیت لازم را در ارزیابی ها و سیاستگذاری های اقتصادی داشته باشد. لیکن این جمله، کمکی به ارتباط بین ضریب جینی و تورم نمی نماید. ضمن اینکه در صفحه ۴۴، بر توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید تاکید شده است که نیازمند شرح بیشتری است. صفحه ۴۶، گسترش صادرات غیرنفتی مدنظر قرار گرفته است. با این وجود، نویسنده محترم مجدداً بر صادرات مواد خام نظیر پسته تاکید می کنند. لیکن باید توجه نمود که کشور ژاپن (که مورد تاکید ایشان بوده است)، به طریقی دیگر مسیر

توسعه را طی نموده است. در بسیاری از موارد، روند کتاب، فاقد تحلیل موشکافانه است. به عنوان نمونه در صفحه ۵۳ و در ذیل بحث ریشه ها و علل گسترش فساد در ایران، صرفاً به صورت کلی مواردی آورده شده است و تشریح انجام نشده است. به عنوان مثال، نویسنده، وجود غول های اقتصادی شبه دولتی و ضعف در عملکرد دیوان محاسبات را از ریشه ها و علل فساد در ایران می داند. ولی هیچ گونه توضیح و یا داده ای به منظور تبیین دلیل خود ذکر نکرده اند. در بحث مردم محوری (ص ۵۹)، لازم بود که به اقدامات صورت گرفته در مورد اصل ۴۴ و مردمی سازی اقتصاد اشاره می شد ولی هیچ گونه آمار و تحلیلی در این خصوص انجام نشده است. گرچه مدل اقتصاد مقاومتی معرفی شده دارای ۶ حلقه مدیریتی است، لیکن، به منظور عملیاتی نمودن یک مدل، باید شرایط موجود دقیقاً تبیین و مشخص شود و این امر با ارائه داده، آمار و تحلیل صورت می گیرد. ذکر مصادیق گرچه مفید است ولی به تنهایی نمی تواند در جهت عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی، موثر باشد. به عنوان مثال، در حلقه دوم، مصادیق ذکر شده است ولی راهکار به منظور نیل به وضعیت مطلوب تشریح نشده است. در فصل سوم، به صورت تیتروار، راهبردهای مختلف در مورد اقتصاد مقاومتی بیان شده است. تیتروارهای فوق الذکر، فاقد هر گونه شرح و بسط بوده است. به علاوه، در صفحات ۷۹ تا ۸۶، برنامه های راهبردی کشور، بدون هیچ گونه تفسیر و تحلیل، آورده شده اند. در فصل چهارم، به بایدهای مدیریت جهادی در اقتصاد مقاومتی پرداخته شده است. مباحث به صورت خطابه ای بیان شده و تحلیلی به همراه ندارند. به عنوان نمونه، در صفحه ۹۴، توجه به برنامه های بالادستی کشور و چابک سازی دولت مورد تأکید قرار گرفته است ولی روش رسیدن به این وضعیت مطلوب، مشخص نشده است. لازم به ذکر است که بعضی از مطالب درج شده در این فصل، تکراری از بخش های قبلی است. به عنوان مثال، مبارزه با فساد اقتصادی و اداری و بهبود فضای کسب و کار در راستای تسهیل سرمایه گذاری در بخش های مختلف، مجدداً در این فصل آورده شده است. محتوای فصل پنجم بیانگر این نکته است که نویسنده کوشش نموده است به صورت تیتروار، سند چشم انداز اقتصاد ایران را تکرار نماید. در خصوص راهکارهای اجرایی فرهنگ اقتصاد مقاومتی، مجدداً به رفع مشکلات ساختاری و قوانین دست و پاگیر دولتی اشاره شده است. ضمن اینکه کمبود نقدینگی در بخش تولید نیز مجدداً مورد تأکید قرار گرفته است (ص ۱۳۰). فصل ششم به چالش های پیش روی اقتصاد مقاومتی اختصاص دارد. حوزه بررسی در این بخش بسیار وسیع در نظر گرفته شده

است و نمی‌توان تمامی چالش‌های بین‌المللی را به اقتصاد مقاومتی مرتبط کرد. به عنوان نمونه، جدایی طلبی روس‌گرایان در اوکراین (ص ۱۳۷) و بحران آب در خاورمیانه (ص ۱۳۸) نمی‌تواند ارتباط تنگاتنگی با اقتصاد مقاومتی داشته باشد. در این خصوص، نویسنده محترم در صفحه ۱۳۷، اقتصاد مقاومتی با اقتصاد ایران را یکسان فرض نموده است و بحران معنویت و اخلاق (که البته مکان آن مشخص نشده است) و گسترش قدرت ناتو به سمت شرق را از چالش‌های بین‌المللی اقتصاد ایران برشمرده است که در تحقق اقتصاد مقاومتی موثر هستند. در صفحه ۱۳۹ نیز قید شده است که آمارها، نظرسنجی‌ها و مطالعات مختلف، صحت نقش چالش‌های فرهنگی را در اقتصاد ایران نشان داده‌اند که اشاره‌ای به آمارها، نظر سنجی‌ها و مطالعات فوق‌نشانده است. در این فصل و در صفحه ۱۴۱، نرخ تورم برخی از کشورها در بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ آورده شده است. در این خصوص، موارد ذیل، قابل تامل است:

* نحوه انتخاب کشورها بیان نشده است.

* دلیل انتخاب دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ مشخص نشده است.

* هیچ‌گونه تفسیر، شرح، دلیل و برهان در مورد آمار فوق آورده نشده است.

همچنین، در همین صفحه، تحلیل ارتباط بین سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و اقتصاد مقاومتی، مورد غفلت قرار گرفته است. در صفحه ۱۴۲، در مورد موضوع اشتغال و کاهش بیکاری، فقط به ذکر بیانات اکتفا شده است و تحلیلی صورت نگرفته است. این کاستی، در بخش توجه مدیریت واردات و صادرات نیز مشهود است. عدم ارتباط بین متن و جدول نیز در این صفحه به چشم می‌خورد. در متن آورده شده است: "اگر نگاهی اجمالی به همسایگان خود به ویژه کشورهای هم‌زبان بیندازیم، متوجه می‌شویم که آنها بهترین بازار برای محصولات ما خواهند بود که این موضوع باید بیشتر مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار گیرد". این در حالی است که در جدول ۲ صفحه ۱۴۳، صرفاً به رشد خالص صادرات و خدمات طی دوره ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ پرداخته شده است. شایان ذکر است که دلیل تأکید بر کشورهای هم‌زبان نیز توسط نویسنده مشخص نشده است و بُعد اقتصادی آن تبیین نگردیده است. به علاوه، در صفحه ۱۴۳ و در خصوص توجه به حوزه تولید ملی، به فراهم کردن زمینه‌های رشد اقتصادی ۸ درصد اشاره شده است که ماخذ این رقم نیز برای خوانندگان نامشخص است. در صفحه ۱۴۶، چالش‌های پیش‌روی اقتصاد مقاومتی مجدداً به صورت تیتروار بیان شده است که هر یک به صورت جداگانه محتاج شرح است. به عنوان مثال، وجود فسادهای متعدد اقتصادی و

عدم پیشگیری در مواجهه با فساد مالی در دستگاه های دولتی و غیردولتی، نیازمند اثبات و ارائه ادله است. امری که مورد توجه واقع نشده است. در صفحه ۱۴۷ و در زیر عنوان "وابستگی کشور به کالاهای حیاتی و راهبردی خارجی"، مواردی بدون ذکر منبع مشخص شده است. این در حالی است که نویسنده محترم می تواند با استفاده از داده های مرکز آمار ایران، مطلب را به نحو مطلوب منتقل نماید. در ادامه (صفحه ۱۴۸) نیز، مواردی بدون ذکر آمار و یا اشاره به پژوهش های صورت گرفته، آورده شده است. مواردی نظیر وابستگی کشور به درآمد نفت و مهندسی تعاملات تجاری در زمره این موارد می باشند. نویسنده در صفحه ۱۴۹، صنعتی شدن را مهمترین گام در اقتصاد مقاومتی می داند. در این خصوص لازم بود که ابتدا مفهوم صنعتی شدن توضیح داده می شد. سپس، روند صنعتی شدن در کشورهای منتخب، بررسی می شد و نقاط ضعف اقتصاد ایران در طی نمودن این مسیر مشخص می گردید. با توجه به این که صنعتی شدن یک موضوع گسترده در اقتصاد توسعه است، نمی توان در چند خط مبحث را شرح داد. در ضمن، در ذیل عنوان صنعتی شدن، به رشد اقتصادی چند کشور، بدون هیچ گونه تحلیل اشاره شده است که با موضوع، نامرتبط است. به علاوه، در بحث درس هایی از کشورهای توسعه یافته جهان، به دو کشور ژاپن و کره جنوبی اشاره شده است. همان گونه که ذکر شد، روند صنعتی شدن این دو کشور و فقدان تحلیل شاخص های مختلف مرتبط با بحث توسعه، کاملاً به چشم می خورد. در صفحه ۱۵۳، نویسنده محترم، استراتژی جایگزینی واردات را بهترین رویکرد توسعه تشخیص داده است که محل تامل و اثبات است. به عنوان مثال، می توان عملکرد صنعت خودروسازی در ایران را نمونه ای در جهت به کارگیری این نوع استراتژی دانست. سپس، مولف، به راهبرد توسعه صادرات، بدون هیچ گونه جهت گیری اشاره کرده است. راهبرد سوم اشاره شده در کتاب نیز، توسعه صادرات کالاهای صنعتی را مدنظر دارد. ابهام در بیان مطلب و عدم توجه کافی به شرایط اقتصاد ایران و ظرفیت های موجود آن، از جمله نکاتی است که در این بخش وجود دارد. نویسنده در صفحه ۱۵۴، به بررسی آثار تحریم ها بر اقتصاد ایران پرداخته است. در این بخش با اشاره به یکی از اسناد معتبر (به زعم نویسنده)، تاثیر تحریم ها بر اقتصاد ایران را "در حاشیه" می داند. لازم به ذکر است که نام نویسنده کتاب، روش تحلیل، سال (سال های) مورد مطالعه بر خواننده کاملاً نامعلوم است. صرفاً بیان شده است که بوریس زاگاریس (که رزومه وی نیز برای

مطالعه کنندگان نامعلوم است)، کتاب "تحریم ایران، شکست یک سیاست" را بهترین اثر درباره تحریم های آمریکا بر ایران دانسته است.

به طور کل، نکات زیر در خصوص کیفیت تحلیل علمی کتاب، قابل ذکر است:
* ابزار علمی مشخصی در کتاب مورد استفاده قرار نگرفته است و صرفاً به ذکر آمار پرداخته شده است.

* کتاب فاقد ادبیات موضوع است و این امر کاستی بزرگی خصوصاً در نتیجه گیری پایان کتاب به وجود آورده است. زیرا نتیجه گیری یک پژوهش اقتصادی مطلوب از تحلیل داده ها و در بستر ادبیات موضوع شکل می گیرد. گرچه در فصل دوم، مدل اقتصاد مقاومتی ارائه شده است. ولی ارتباط بین این مدل، با سایر فصل ها مشخص نیست.

* مروری بر پژوهش های انجام شده مرتبط با موضوع، مورد توجه نویسندگان قرار نگرفته است. این امر، موجب شده است که کتاب فاقد بررسی و نقد آثار دیگران باشد.

* نوآوری در هیچ یک از فصل های کتاب مشاهده نمی شود. انبوهی از اطلاعات کلی و عمومی در خصوص اقتصاد مقاومتی در فصول مختلف ذکر شده است.

* مطالب کتاب، ترکیبی از مباحث مدیریت و اقتصاد است و بدیهی است که هر یک گستره و شالوده خاص خود را داراست. با توجه به این مورد، بهتر می بود که نویسنده به صورت جزئی تر و با آمار و تحلیل، مدل مدیریتی را تشریح می نمودند و مطالب اقتصادی را در کتاب و پژوهشی دیگر بیان می نمودند تا اثر عمیق تر ارائه شود.

* همان گونه که بیان شد، در بسیاری از موارد، آمار و اطلاعات به صورت کلی و بدون هیچ گونه تحلیل و توجه به مفاهیم پایه اقتصاد، بیان شده اند. علاوه بر نمونه های یاد شده، در صفحه ۱۸۸، به درآمدهای نفتی (بدون توجه به قیمت ثابت یا جاری)، رشد اقتصادی و نرخ تورم (بدون ذکر سال پایه)، اشاره شده است. بدیهی است، عدم توجه به این موارد می تواند برای مطالعه کنندگان کتاب، گمراه کننده باشد.

۲.۴. نقد درون ساختاری

۱.۲.۴. میزان انسجام و نظم منطقی

یکی از موارد حائز اهمیت در پژوهش های علمی، انسجام مطالب در درون هر فصل، بین فصل ها و در نتیجه، کل کتاب است. به طور کل، کتاب در نه فصل به بیان مفاهیم

نظری و عملی اقتصاد مقاومتی پرداخته است. در فصل اول، مبانی نظری اقتصاد مقاومتی، مرتبط با آموزه های اقتصاد اسلامی دانسته شده است ولی در فصول بعد هیچ گونه اشاره ای به ارتباط اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی نشده است. در فصل دوم، مدل مدیریتی اقتصاد مقاومتی بیان شده است. در این راستا، با تاکید بر حلقه مدیریتی و طب سنتی قدیم هند (ص ۳۶)، مدل بیان شده است. فصل سوم، نیز علی رغم تکرار برنامه های راهبردی کشور، نگاه مدیریتی به اقتصاد مقاومتی دارد. حال آنکه در فصل چهارم، مولفه های ارزشی مورد تاکید قرار گرفته اند. لذا، سنخیت فصل اول و چهارم (از نظر نگرش به موضوع پژوهش)، زیاد است. فصل پنجم، ارتباط بین فرهنگ و اقتصاد مقاومتی را مدنظر قرار داده است ولی در فصول بعدی (تا پایان کتاب)، نگرش اقتصادی بر کتاب حاکم می شود. همان گونه که بیان شد، نقش مدل مدیریتی (که در این کتاب، بسیار مورد تاکید قرار گرفته است)، در فصول بعد مشخص نمی شود و در فصل دوم پایان می پذیرد. حال آنکه انتظار می رفت، هر یک از حلقه های معرفی شده در مدل، به تفصیل در ادامه کتاب مورد بحث قرار گیرند و نقش هر یک در بهبود اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی مشخص شود. به علاوه، با توجه به نگرش های متفاوتی که می توان به اقتصاد مقاومتی داشت، این امکان وجود دارد که هر کتاب (پژوهش)، به تفصیل و از یک منظر، مطالب را تشریح نماید. به عنوان نمونه، در این کتاب، نگرش اسلامی در فصول اول و چهارم، برجسته می شود ولی در دیگر بخش ها در حاشیه قرار گرفته است. لذا، میزان انسجام و نظم منطقی بین فصول، متوسط ارزیابی می شود. لیکن، مطالب مندرج در هر فصل، به طور مطلوب آورده شده اند.

۲,۲,۴. اعتبار منابع و کیفیت استنادات

به طور کل، نکات زیر در خصوص وضعیت منابع کتاب قابل ذکر است:

- * همان گونه که اشاره شد، بسیاری از جدول ها و اشکال کتاب، فاقد منبع می باشند.
- * توجه لازم به متون اقتصادی و نظرات نوین، خصوصا در حوزه اقتصاد کلان و اقتصاد توسعه نشده است.
- * برخی از کتب مورد استفاده در منابع، از متون برجسته در علم اقتصاد به شمار نمی آیند. خصوصا در حوزه اقتصاد توسعه، کتب معتبر دنیا در ایران ترجمه شده و در اختیار عموم قرار گرفته است.

* توضیحات کافی در مورد نحوه ارجاعات در متن داده نشده است. به عنوان نمونه، در صفحه ۱۵۴، در متن از دژپسند و صبوری نام برده شده است. حال آنکه در پانویس، کیت گری فین، علیخانی و بوریس زاگاریس معرفی شده‌اند. در نهایت، هیچ یک از چهار مورد فوق، در منابع پایان کتاب آورده نشده است.

* تاریخ و زمان استفاده از برخی از سایت‌ها مشخص نیست. به عنوان مثال، در پانویس صفحه ۱۳۵، چنین وضعیتی وجود دارد.

به طور کل در اثر، به اندازه کافی از منابع معتبر علمی به منظور تبیین موضوع استفاده نشده است و کتاب از لحاظ رعایت امانت، میزان دقت در استنادات و ارجاعات و توجه به اصول منبع دهی، مطلوب نیست.

۳,۴. نقد درون ساختاری

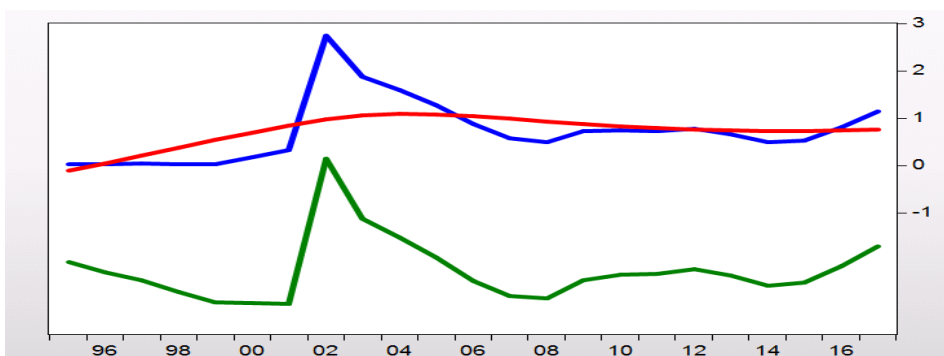
به طور کل، هدف کتاب، بیان مفاهیم و چالش‌های مربوط به حوزه اقتصاد مقاومتی است (به نقل از پشت جلد). ضمن اینکه اطلاعات و مطالب آن، راهنمایی جامع و کامل برای تبیین راهبردها و کمک به تحقق اقتصاد مقاومتی است (ص ۸). در این راستا، نویسنده تلاش نموده است تا با نگرش‌های دینی و ارزشی، مدیریتی و اقتصادی مباحثی را مطرح و راه کارهایی ارائه نماید. اما از آنجا که ساختار خطابه‌ای بر کتاب حاکم است و اثر فاقد هر گونه تحلیل یا استناد علمی است، این امر، محقق نشده است. جهت گیری به سمت هیچ یک از مکتب‌های اقتصادی در کتاب به چشم نمی‌خورد. ولی با توجه به موارد گفته شده، جهت گیری به سمت نظریه‌های اسلامی بیش از سایر مکاتب اقتصادی در آن وجود دارد.

۴,۴. بررسی تحلیلی کتاب

از آن جا که در کتاب مورد اشاره، به میزان کافی تحلیل اقتصادی انجام نگرفته است، در این قسمت، بخشی از محتوای آن، با استفاده از داده‌های مراکز معتبر آماری به اجمال بررسی می‌شود.

مدل مدیریتی اقتصاد مقاومتی معرفی شده، شامل شش حلقه است. حلقه اول، مدیریت و رهبری نام دارد و مواردی چون تهیه و تدوین اهداف و برنامه‌های اقتصاد مقاومتی را در بر می‌گیرد. این حلقه هم اکنون در حال اجراست و برش‌های استانی آن نیز تهیه و تنظیم شده است. حلقه دوم، کاهش وابستگی اقتصادی ایران را مد نظر دارد. از زیر

بخش های این حلقه، به چند مورد اشاره می شود. مورد اول، به جذب سرمایه گذاری های داخلی و خارجی اشاره دارد. بررسی نسبت میزان خالص سرمایه گذاری خارجی مستقیم وارده به تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران طی دوره ۱۹۹۵ (۱۳۷۴) تا ۲۰۱۷ (۱۳۹۶) با استفاده از داده های بانک جهانی نشان می دهد که^۱:



نمودار ۱: روند، داده های واقعی و چرخه های تجاری نسبت میزان خالص سرمایه گذاری خارجی مستقیم وارده به تولید ناخالص داخلی

منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از داده های بانک جهانی

الف- روند این نسبت، نزولی است و بین صفر تا یک درصد قرار دارد. بنابراین، سهم نسبت خالص سرمایه گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی ایران، ناچیز است.

ب- فقط در ۵ سال از ۲۳ سال مورد بررسی، این سهم بیش از ۱ درصد بوده است. لذا، اقتصاد ایران نیاز به حجم عظیمی از سرمایه گذاری مستقیم خارجی دارد که بتواند رشد اقتصادی را (به عنوان یکی از اهداف اصلی اقتصاد مقاومتی) به ارمغان آورد. ولی با وجود تحریم های اقتصادی، فضای نامطلوب کسب و کار^۲ و رتبه نامناسب ایران در شاخص درک فساد (Corruptions Perception Index)، نیل به چنین هدفی دشوار است. به دلیل آن که عنوان کتاب "اقتصاد مقاومتی: از نظریه تا عمل" می باشد، لازم است این شرایط بیشتر مورد بررسی قرار گیرد.

در ادامه، به حمایت از شرکت های دانش بنیان اشاره می شود. ولی باید عملکرد آن ها در اقتصاد مقاومتی تبیین شود. به عنوان نمونه، یکی از خروجی های شرکت های دانش بنیان، در صادرات کالاهای با فناوری برتر نمود پیدا می کند. طبق آمارهای بانک جهانی، سهم صادرات صنعتی کالاهای با فناوری متوسط و برتر از کل صادرات صنعتی

ایران طی دوره ۲۰۰۲ (۱۳۸۱) تا ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) به طور میانگین، ۲۶ درصد بوده است. به بیان دیگر، ۷۴ درصد از صادرات صنعتی ایران طی دوره مذکور، کالاهایی با فناوری پایین بوده اند.

حمایت از تولیدات داخلی و ملی، یکی دیگر از مواردی است که نویسندگان محترم در حلقه دوم به آن تاکید ورزیده اند. در این خصوص باید به دو نکته توجه نمود.

الف- حمایت از تولیدات داخلی ابتدا می بایست بر مبنای استراتژی رشد نامتوازن و در خصوص بخش هایی خاص انجام پذیرد. سپس، از طریق پیوندهای پیشین (Forward Linkage) و پسین (Backward Linkage)، رشد به وجود آمده در بخش های منتخب (پیشرو)، به سایر بخش ها انتقال می یابد.

ب- وابستگی به واردات می بایست در تعیین بخش های پیشرو و کل اقتصاد مورد تاکید قرار گیرد.

به منظور پاسخ، از جدول داده- ستانده استفاده می شود. با استفاده از نتایج به دست آمده از جدول داده- ستانده سال ۱۳۹۰^۳ مرکز آمار ایران، بخش های مندرج در جدول ۱ در اقتصاد ایران از نظر تولید پیشرو هستند.

جدول ۱: بخش های پیشرو در اقتصاد ایران

کشاورزی
ساخت محصولات غذایی
ساخت فرآورده های حاصل از پالایش نفت
ساخت فرآورده های شیمیایی
ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی
ساخت وسایل نقلیه موتوری
ساخت آهن و فولاد
تولید، انتقال و توزیع برق
ساخت، تعمیر و نصب محصولات فلزی
ساخت محصولات کانی غیر فلزی
خدمات عمده فروشی و خرده فروشی
خدمات حمل و نقل زمینی

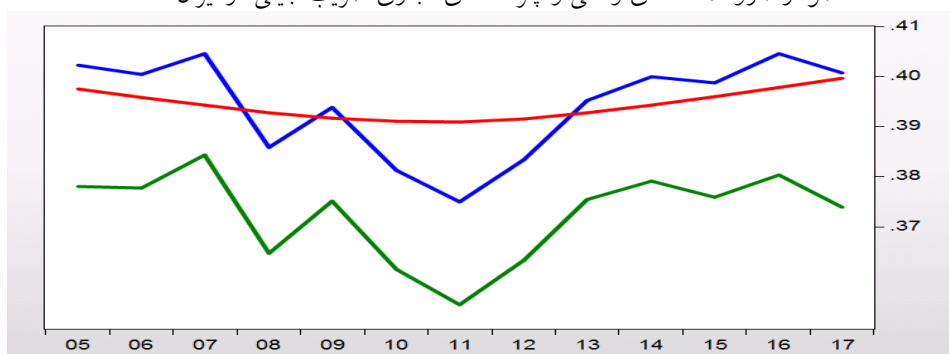
منبع: محاسبات پژوهش بر اساس جدول داده- ستانده سال ۱۳۹۰

طبق محاسبات صورت گرفته ۱۲ بخش در اقتصاد ایران پیشرو هستند. لذا، به منظور حمایت از تولیدات داخلی و در راستای رشد اقتصادی، می بایست بخش های فوق در اولویت قرار گیرند.

در خصوص وابستگی به واردات، بخش های ابزار اپتیکی و تجهیزات پزشکی، انواع ماشین آلات، پوشاک، خدمات حمل و نقل هوایی، بیشترین وابستگی را به تولیدات خارج از کشور دارند. به علاوه، طبق آمار بانک جهانی طی دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۷، به صورت میانگین، ۲۲ درصد از تولید ناخالص داخلی، از طریق واردات تامین شده است. در این خصوص پیشنهاد می شود مواردی نظیر واردات بخش های یک روند زمانی، ارزش تولید زیر بخش هایی که وابستگی زیادی به واردات دارند (نظیر خدمات حمل و نقل هوایی)، تولید در زیر بخش های پیشرو اقتصاد ایران (جدول ۱) به دقت مورد بحث و واکاوی قرار گیرد.

در همین حلقه، توزیع عادلانه درآمدها مد نظر واقع شده است. گرچه، بررسی این شاخص به نوبه خود ارزشمند است، ولی می بایست نوع درآمدها و هزینه های خانوارها نیز بررسی شود. نمودار ۲، روند ضریب جینی در اقتصاد ایران را طی دوره ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) تا ۲۰۱۷ (۱۳۹۶) نشان می دهد. همان گونه که ملاحظه می گردد، در حالی که این ضریب در سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰) کاهش قابل ملاحظه یافته بود، مجدداً روند صعودی داشته است.

نمودار ۲: روند، داده های واقعی و چرخه های تجاری ضریب جینی در ایران



منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از داده های بانک مرکزی

از سوی دیگر، علاوه بر ضریب جینی، باید درآمدها و هزینه های خانوارها را بررسی نمود. طبق گزارش نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران در سال

۱۳۹۶ (جدیدترین آمار موجود)، متوسط درآمد ناخالص ماهانه خانوار شهری در ایران ۳۶۶۰۶۲۹ تومان و متوسط هزینه ناخالص ماهانه خانوار ۳۵۱۰۹۰۴ تومان بوده است.^۶ به بیان دیگر، میزان متوسط پس انداز ماهانه خانوارها در سال ۱۳۹۶، ۱۴۹۷۲۵ تومان بوده است که رقمی ناچیز است. در این راستا، می‌توان به تحلیل روند طی سال‌های مختلف و محاسبه پس اندازها به قیمت ثابت پرداخت.

در حلقه سوم، توسعه بازارهای مالی و همچنین مفاسد اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. طبق آمارهای بانک جهانی، توسعه بازارهای مالی و گسترش ارتباط آن با بخش خصوصی در اقتصاد ایران رخ داده است.^۷ ولی باید از ظرفیت ایجاد شده به نحو مطلوب استفاده نمود. به عنوان مثال باید مشخص شود که آیا این توسعه مالی، موجب اشتغال و رشد اقتصادی شده است؟ در خصوص مفاسد اقتصادی (همان گونه که اشاره شد)، وضعیت ایران از نظر شاخص درک فساد مناسب نیست و این عامل اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد.

در حلقه چهارم، توسعه شبکه‌های ارتباطی کشور و ایجاد بستر مناسب برای خصوصی سازی و تحقق اصل ۴۴ مد نظر قرار گرفته است.

توسعه شبکه‌های راه‌های کشور به عنوان یک بخش زیربنایی حائز اهمیت است و خوشبختانه در سطح کل در ایران دارای روند صعودی است. ولی انتظار می‌رود، در کتب اقتصاد مقاومتی با توجه به مزیت‌های نسبی مناطق نسبت به ارزیابی اقتصادی و بیان به کاستی‌های موجود در این زمینه با ذکر مصادیق اشاره شود. به عنوان مثال، احداث خط راه آهن اهواز- اصفهان (به دلیل حمل و نقل محصولات فولادی)، دو خطه نمودن راه آهن اندیمشک- دورود (به دلیل حمل و نقل مواد پتروشیمی و مواد وارداتی از بندرامام) از جمله موارد مهمی است که می‌تواند مورد بحث قرار گیرد.

ارزش کل واگذاری‌های انجام شده توسط سازمان خصوصی سازی به قیمت ثابت ۱۳۹۰ طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۹۵ روند نزولی داشته است و از یک قاعده مشخص پیروی نکرده است. در حالی که در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ واگذاری‌های صورت گرفته به ترتیب ۳۵۰ و ۲۵۰ هزار میلیارد ریال بوده است، این رقم در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ کمتر از ۵۰ هزار میلیارد ریال بوده است.^۸ به علاوه، سهم بخش خصوصی واقعی از مجموع واگذاری‌های انجام شده سازمان خصوصی سازی طی دوره ۱۳۸۳-۱۳۹۵، ۱۹ درصد بوده است و بقیه واگذاری‌ها شامل رد دیون دولت، سهام عدالت و ... بوده است. با توجه به این حقایق آشکار شده، لازم است واکاوی‌های بیشتری انجام پذیرد.

در حلقه پنجم، مردم محوری بحث شده است. در این بخش به مواردی همچون ایجاد فضای مناسب برای کسب و کار و سرمایه گذاری و کمک به تولید داخلی اشاره شده است. همان گونه که ذکر شد، جایگاه ایران از نظر شاخص کسب و کار در دنیا نامناسب است. شاخص سرمایه گذاری نیز تابع شاخص های اقتصادی و سیاسی نظیر فساد، کسب و کار و تحریم است و به صورت دستوری نمی توان آن را افزایش داد. در حلقه ششم، ارتباطات و تعاملات جهانی مطرح شده است. طبق آمارهای بانک جهانی، روند تجارت خارجی به تولید ناخالص داخلی، طی دوره ۲۰۰۲ تا (۱۳۸۱) تا ۲۰۱۷ (۱۳۹۶)، نزولی بوده است. این در حالی است که اکثر اقتصاددانان به دلیل تخصص در تولید کالاها، واردات کالاها را سرمایه ای و واسطه ای که فناوری خارجی به همراه داشته باشند، اثر باز بودن تجارتی را بر رشد اقتصادی مثبت ارزیابی می کنند (سیدشکری و میرباقری، ۱۳۹۱).

۵. نتیجه گیری و پیشنهاد

بند ۲۱ سیاست های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، بر گفتمان سازی سیاست ها به ویژه در محیط های علمی، آموزشی و رسانه ای تاکید دارد. یک از روش های تحقق بند فوق، بررسی و واکاوی آثار چاپ شده در این حیطه است، به گونه ای که بتوان، پژوهش های تحلیلی مفید به منظور اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی را باز شناخت. یکی از آثار به چاپ رسیده در این خصوص، "اقتصاد مقاومتی، از نظریه تا عمل" نام دارد. بررسی شکلی کتاب نشان می دهد که نویسنده به دنبال بیان مفهوم نظری اقتصاد مقاومتی و اقداماتی است که موجب می گردد، سیاست های ابلاغی به نحو مطلوب اجرا شود. طرح روی جلد، با تاکید بر شش مولفه اقتصاد مقاومتی، سعی بر انتقال مفهوم آن دارد. عدم رعایت اندازه فونت، وجود تیرهای خاکستری رنگ کتاب، تنوع در ارجاع منابع موجب شده است که از کیفیت حروف نگاری و صفحه آرایی اثر کاسته شود. ضمن اینکه نیاز به ویرایش مجدد کتاب با توجه به عدم استفاده مناسب از علامات و درج نام انگلیسی، احساس می شود. متن کتاب نسبتاً روان است. ولی جملات شعاری و احساسی و خطابه ای در آن بسیار به کار رفته است. کاستی بزرگ کتاب، عدم وجود تحلیل و تفسیر است و صرفاً به صورت تیتروار، مطالب در حوزه های مختلف بیان شده است. به علاوه، وجود نگرش های اسلامی، مدیریتی و اقتصادی در کتاب، باعث شده است که گستره کار وسیع شود و در نتیجه نتوان به نحو مطلوب و

شایسته، مطالب را با بیان نمود. به علاوه، وجود آمارهای نامرتب با موضوع و بدون تفسیر، موجب شده است که از توان و کیفیت علمی کتاب کاسته شود. عدم استفاده از کتب روز دنیا در تفسیرها، یکی دیگر از ضعف‌های کتاب به شمار می‌رود. در نهایت، این اثر اطلاعات کلی و پراکنده‌ای در زمینه اقتصاد مقاومتی و اقتصاد ایران ارائه می‌کند. ولی فاقد تحلیل اقتصادی است و نتوانسته است نتیجه‌گیری منسجم از مباحث درج شده ارائه نماید. لذا می‌توان گفت که کتاب حاضر، مرجع مناسبی در زمینه تحلیل حوزه اقتصاد مقاومتی به شمار نمی‌آید.

پی‌نوشت

۱. در نمودار ۱، خط قرمز بیانگر روند، خط آبی، نشانگر داده‌های واقعی و خط سبز، چرخه‌های تجاری را نشان می‌دهد. محاسبات با استفاده از فیلتر هودریک-پرسکات (Hodrick-Presscott) انجام پذیرفته است.
۲. طبق گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۸، رتبه ایران در میان ۱۹۰ کشور مورد بررسی، ۱۲۴ بوده است.
۳. جدول داده- ستانده سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران در اسفندماه ۱۳۹۶ منتشر شده است. از آن جا که مقادیر ستانده، مصرف واسطه‌ای و ارزش افزوده برخی از بخش‌های موجود در جدول متقارن منتشر شده (۹۹ بخشی) با حساب‌های ملی دارای اختلاف بود، ابتدا با استفاده از جداول مصرف و عرضه، جدول متقارن ۱۱۰ بخشی اقتصاد ایران تهیه گردید و به عنوان پایه آماری مورد استفاده قرار گرفت.
۴. محاسبات با استفاده از جدول داده- ستانده سال ۱۳۹۰ انجام شده است. به عنوان نمونه، نسبت ارزش واردات به ستانده بخش ابزار آبتیکی و تجهیزات پزشکی ۲۵۳ درصد و بخش پوشاک ۱۶۳ درصد است.
۵. محاسبات با استفاده از شاخص Imports of goods and services (% of GDP) انجام شده است.
۶. محاسبات این بخش، توسط نویسندگان مقاله انجام شده است. داده‌های بانک مرکزی بر حسب ریال و سالانه است. به منظور درک بهتر، مقادیر به صورت ماهانه و بر حسب تومان درج شده‌اند.
۷. به عنوان نمونه روند دو شاخص Domestic credit provided by financial sector (% of GDP) و Domestic credit to private sector by banks (% of GDP) در اقتصاد ایران صعودی بوده است.

کتابنامه

- بانک مرکزی (۱۳۹۷). بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی. <https://www.cbi.ir>
- داوودی، فیروز (۱۳۹۵). *اقتصاد مقاومتی از نظریه تا عمل*، چاپ اول، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد صنعتی امیرکبیر.
- سید اخلاقی، محمد (۱۳۸۰). "راه و رسم تعیین حروف و انتخاب قطع کتاب". جهان کتاب. آبان، شماره ۴-۱۳۳، صص ۷-۴۴.
- سید شکری، خشایار و عاطفه السادات میرباقری. (۱۳۹۱). "اثر آزادسازی تجاری بر رشد اقتصاد غیرنفتی کشورهای عضو اوپک"، فصلنامه علوم اقتصادی، سال ششم، شماره ۱۹۴، ۲۰-۱۷۳.
- گیلیس، مالکوم، اچ. پرکینز، دوایت، رومر، مایکل، اسنودگراس، دانلد (۱۳۹۱). *اقتصاد توسعه*. غلامرضا آزاد، چاپ سوم، تهران: نشرنی.

Jehle, G& Reny, P (2011). *Advanced Microeconomic Theory*: Prentice Hall (3th Edition).

Roland, G (2013). *Development Economics: The Pearson Series in Economic* (1th Edition).

www.ipo.ir

www.worldbank.org